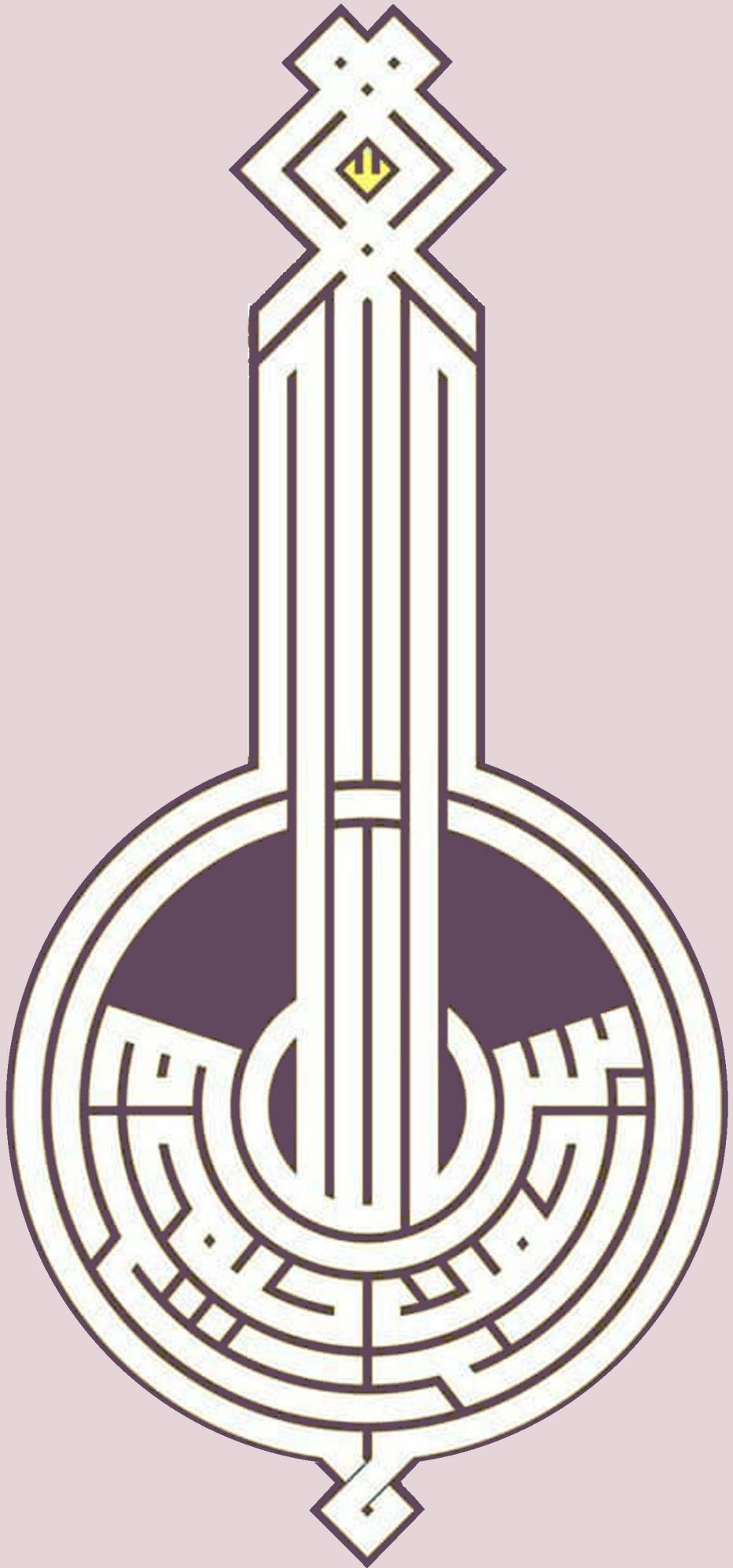


درايي

نشریه فرهنگی دانشکده علوم ریاضی شریف
شماره دوم دوره ششم (ویژه نامه وردی)
آذرماه ۱۴۰۰

پاول اردوش، اسطوره ریاضیات،
بچههای کوچک را با افظ
اپسیلون صدمی کرد.





صاحب امتیاز

مدیر مسئول

شورای سردپران

وپراسناران

صفحه آرایان

: انجمان علمی حمبد

: متین انصاری پور

: زهراء حیدری خواه، دبی هاشمی

: نگین لطفی، متین یوسفی

: پریز ایزدی مند، پرناز بابلیان، حلیل رضوانی، خاطمه

: شعبانی، محمد علی علمی، خاطمه محمدی

: سید شاهرزاده، محمد مهدی زارع، نیما

: عمونی، سینا قاسمی تبار، حاریه حادی

: دکتر جوارابراهیمی بروجنی، علی الهاشمی، متین

: انصاری پور، محترم تازیلیس، خاطمه تقی زاده، حسین

: رحمنی، پوریز سرمدی، مهدی سلطنتور، سینا

: قاسمی تبار، دبی هاشمی، متین یوسفی

: احمد رحیمی، متین شعبانی پور، نگین لطفی، مریم

قدوس

دست اندر کاران

نوپسندگان

با تشکر از

فهرست

۵	بعد از سلام
۶	واژه نامه
۸	سوت نیوز
۱۰	جیک جیک مستون
۱۱	پرونده
۱۴	استادنامه
۱۵	روی داد
۱۸	یادداشت آزاد
۱۹	درنگ

بیان سلام



متوجهه اهميتش نمي شى ولی وقتى ديجه پير و سالخورده شدی و ديدی هر کدوم از دوستات دارن يه کار می کنن، دلت برای ترمهای اول تنگ می شه. بعد از چند وقت، هرکی به يك سمت جذب می شه؛ يكی می ره طرف کار تو شرکت، يكی می ره با يه استادی کار کنه و... آدم‌دیگه زیاد درس مشترک با هم ندارن، چون زمینه‌ی مورد علاقه‌شون رو تاحدی پیدا کردن و بیشتر در اون زمینه درس بر می دارن و چشم به هم بزنی می بینی بعضی از دوستات دارن اپلای می کنن.

اشتباه منظورم رو برداشت نکنید، سالهای بالاتر بد نیستن. اصلاً درس‌های سال اول رو می خونی که برای درس‌های سالهای سالهای بعد (که اصل کارین!) آماده شی ولی از همین الان بدانید و آگاه باشید که تلو سالی هستید که شبیه‌ش احتمالاً در زندگی‌تون تکرار نمی شه و باید قدرش رو دونست. از طرفی هم شاید الان خیلی به نظرتون بعید باشه ولی در آينده‌ای نه چندان دور باید تصميم‌اي مهمی در زمینه‌ی اينکه می خوايد چی کار کنید بگيريد و خوبه که برای اين موضوع آماده باشيد. به همین منظور شمارو دعوت می کنم به درایه و رودي؛ تا چراغی باشه برای راه دور و درازتون.

از آمدنت هيج معلوم نبود

دبیا هاشمی



الآن نزديك به دو ساله که کرونا همراه و همدم تمام فعالیت‌های روزانه‌مون شده. ولی يه روزايی بود که هيج‌کس اين جوري درگير نبود و زندگي‌ها روال عادي خودش رو داشت. اواخر اون روزا با ترم اول دانشگاه من مصادف بود. خاطره‌هایي که از اون روزا بآدم می‌اد رنگ‌بوي خوبی دارن. مثلاً يادمه يكی از بچه‌ها يه لیست از شماره‌دانشجویی‌ها جمع کرده بود و بعد از هر امتحان ریاضی يك، نمرات بالا رو اعلام می‌کرد تا ازشون شیرینی بگیریم. يا چه تلاش‌هایي بچه‌هایي که دير او مده بودن می‌کردن تا استاد برنامه‌نويسی تو کلاس راهشون بده و چه خواب‌هایي اونایي که تو کلاس بودن نکردن! اگر بشينيد پاي صحبت يكی از سال بالا يها هزار تا از اين خاطرات براتون می‌گه که ذكرشون در اين مقال نگنجد. حدهم اينه که ترم يك شما زياد به ترم يك من شبيه نباشه ولی هرچقدر هم متفاوت، يك شباht بزرگ و مهم دارن؛ همه وروديا درسا و زندگي‌های نسبتاً مشابهی دارن. اين يكی از مهم‌ترین خواص يكی دو ترم اوله که در لحظه



واژه نامه

لوب:
فضای سبز جلوی هر دانشکده را لوب آن دانشکده می‌گویند. سرشار از دود و دم.

لابی ریاضی:
 محلی برای بازی، صحبت، استراحت و... در کنار دوستان. متأسفانه در حال حاضر مبل ندارد.

دلگشا:
فضایی زیبا بین دانشکده هوا فضا و حراست.

شاؤولین:
سلف دانشگاه (به علت طولانی بودن راه پله‌اش).

سالمط:
سالن مطالعه.

استادیوم:
اتاق استادی.

جکوز:
فضای سبز و آبنمای جلوی ساختمان شریف‌پلاس و بوفره. جای کشیدن ~~وینه~~ زیاد.

مرمیز:
نام کتابخانه دانشکده ریاضی که به افتخار پروفسور مریم میرزا خانی نام‌گذاری شده. محلی لاکچری، مناسب برای چرت زدن در ایام شلوغ امتحانات.

عبدس:
مخفف عبدالسلام. مرمیز دانشکده فیزیک.

ابنس:
مخفف نام ساختمان ابن‌سینا. محل برگزاری تقریباً تمام کلاس‌های دانشکده ریاضی.

الف صفر:
دستشویی کنار ابن‌سینا. مناسب برای قبل امتحان.

سایت:
 محل تشکیل کلاس‌های حل تمرین بی‌پی. مناسب برای کد زدن و درس خواندن‌های دسته‌جمعی.

گُزارز:	بی‌پی:
کوییز آز. بسته به تی‌ای می‌تواند بسیار سمی یا بسیار راحت باشد.	مخفف Basic Programming آش کشک ورودی‌ها و اولین درس پروژه‌دارشان.
ریاضمو:	ای‌پی:
مخفف ریاضیات مهندسی. می‌توان به جایش توابع مختلط یا PDE برداشت.	مخفف Advanced Programming آموزش بیل زدن روزانه ۷ ساعت به مدت ۷ ماه.
دیف:	دی‌اس:
مخفف معادلات دیفرانسیل. دروس آنالیز نیز مخفف دارند که متاسفانه اینجا جاش نیست.	مخفف Data Structure و نام درس ساختمان داده است.
قی‌ای:	دی‌ای:
دانشجویی که می‌تواند درس را به بهشت یا جهنم تبدیل کند.	مخفف Design Algorithm و نام درس آنالیز الگوریتم‌ها است.
ریکام:	او‌اس:
موجودی نایاب که اپلای‌کنندگان به دنبالش اساتید از دادنش بی‌زارند. معمولاً در دسته‌های سه‌تایی دیده می‌شود.	مخفف Operating System و نام درس اصول سیستم‌عامل‌ها است.
سی‌وی:	او‌آرد:
رزومه. خلاصه کرده‌ها و ناکرده‌ها.	مخفف Operation Research و نام درس تحقیق در عملیات است.
شهشه:	پی‌دی‌ای:
مخفف نام استاد شهشهانی. تقریباً در نام هر چیزی که به استاد مربوط شود استفاده می‌شود. ایمیل استاد نیز shahshah@sharif.ir است.	مخفف Partial Differential Equation به معنای معادلات دیفرانسیل با مشتقهای جزئی.
جَبرخ:	جَبرخ:
	مخفف جبرخطی.
آز:	آز:
	هر درس آزمایشگاهی.
گُزارز:	گُزارز:
	مخفف گزارشکار آزمایشگاه. زنده کننده‌ی خاطرات رونویسی ابتدایی. عامل مفاصل کبود انگشتان دست و تمام شدن انبوهی از خودکارهای دانشجویان. دردی در روح و روان.

سوت نیوز



وروادی‌ها کارت دانشجویی می‌گیرند، ای‌ها فشار می‌خورند.

خبر آمد که وروادی‌ها می‌توانند برای انتخاب عکس کارت دانشجویی به سامانه آموزش رفته و عکسشان را عوض کنند. البته این خبر به مذاق ای‌هایی که بعد از دو ترم (آن هم بدون فرصت تغییر عکس) کارت دانشجویی گرفتند اصلاً خوش نیامد و فشار بسیار خوردند.

وروادی‌ها کافال میم زدنده!

وروادی‌های ۱۴۰۰ دانشکده شروعی طوفانی داشتند و در اولین هفت‌های حضورشان اقدام به ایجاد یک کافال میم کردند. آیدی این کافال که هنگام نوشتن این متن حدود ۱۸۰ عضو دارد SUT00meme است و میم‌هایش را تعدادی از وروادی‌ها تأمین می‌کنند.



جشن یلدا، آیا ۱۱۴۰۰ ای‌ها به ای‌ها می‌رسند؟

همان‌طور که به یاد دارید جشن یلدا سال پیش (که توسط وروادی‌های ۹۹ برگزار شد) یکی از بهترین جشن یلداهای چند سال گذشته بود. این مسئله باعث می‌شود انتظارات از جشن یلدا پیش رو بسیار بالا باشد که فشار زیادی را به وروادی‌ها تحمیل می‌کند. آیا ۱۱۴۰۰ ای‌ها زیر این فشار خرد می‌شوند؟ یا می‌توانند جشنی به خوبی جشن سال پیش برگزار کنند؟ (بیاین با خودمون روراست باشیم. نمی‌تونن).





فقط یکبار!

دانشکده ریاضی تصمیم گرفته است که از این پس، دانشجویان برای تحويل پاسخ تمرین های درس معادلات دیفرانسیل، تنها یکبار می توانند اقدام کنند و اجازه ندارند پاسخ ارسال شده را تغییر دهند. این بدین معناست که اگر شما به استباہ پی دی اف دیگری را آپلود کنید یا پاسخ شما نقصی داشته باشد کار شما تمام است و نمرة آن تمرین را از دست داده اید! این که چرا و چگونه ایده هایی این چنین درخشان و خردمندانه به ذهن اساتید دانشکده ریاضی می رسد همچنان در دست بررسی است. اما از یک چیز می توان اطمینان داشت و آن تأکید بر ابتکار عمل و روش های نوآورانه توسط این دانشکده در راستای ارائه هر چه بهتر دروس است.



انتخابات صنفی (بهزور) برگزار شد.

انتخابات صنفی دانشکده ریاضی با ثبت نام ۱۴ شرکت کننده آغاز شد. از این ۱۴ نامزد ۹ نفر ورودی سال ۹۹ و ۵ نفر دیگر ۹۸ ای بودند. اما نکته جالب توجه ماجرا اینجاست که نصف نامزدها علاقه ای به انتخاب شدن نداشتند و نه تنها تلاشی در این زمینه نکردند بلکه علیه خود نیز تبلیغ می کردند. اگر به یاد داشته باشید انتخابات همبند نیز در نهایت با ۸ نامزد برگزار شد. این اتفاقات نشان دهنده این موضوع است که دانشجویان اشتیاقشان را نسبت به مسائل و رویدادهای درون دانشکده ای از دست داده اند. بدون شک بخشی از این بی انگیزگی ناشی از مجازی بودن و دوری از محیط دانشگاهی است. اما آیا این تنها دلیل است؟ بعضی معتقدند (درست یا غلط) که همبند و صنفی در چند ترم گذشته کار خاصی را به ثمر نرسانده و نتیجه ای نداشته اند. اینکه آیا این انتقادها درست و به جا هستند یا خیر در این چند خط نمی گنجد. در نهایت برای صنفی و صنفیون در ترم های پیش رو آرزوی موفقیت می کنیم. در انتخابات اخیر صنفی آقایان یوسفی و ترابی با اخذ بیش از پنجاه درصد آراء در دور اول به شورا وارد شدند. آقایان سادات شکوهی، فتح اللهی، رضویزاده، اولاد، حسینی و خانم ها بحری و ایزدی مند در دور دوم انتخابات شرکت خواهند کرد.





چیک چیک

مستوٽ

[درایه]

درایه
@Deraye_mag

Edit profile

نشریه فرهنگی دانشکده ریاضی شریف

[Translate bio](#)

ساختمان ابوریحان t.me/deraye_mag Born October 6, 2021

Joined September 2021

0 Following 216 Followers

Home

Explore

Notifications

Messages

Bookmarks

Lists

Profile

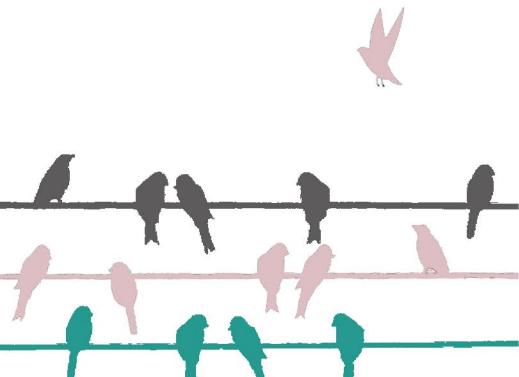
More

Tweet



درایه
@Deraye_mag

...



قانع [@Sina_Qane](#) · Nov 7

راهی برای بیرون او مدن از این سیکل معیوب بی حوصلگی و درس نخوندن نیست؟

7

2

147

↑



Rey [@Reyhneghz](#) · Nov 5

رفتیم دانشگاه بعد یکی از بچه هامون ۱۹۱ بود دوتاشون ۱۹۴، پیش هر کی میرفتیم میگف شماها بزرگین بهتون نمیاد و رویدی کارشناسی باشین، و رویدی ارشدین؟ ((((((((

1

1

4

↑



طaha [@Tahajal](#) · Oct 23

آرزو به دل موندم یه بار کلاس ساعت ۸ صبحو عین ادم شرکت کنم و هیج جاش خوابم نبره.

1

2

20

↑

پرونده

کمی گیم تئوری

سینا قاسمی نژاد



و صرف انرژی کمتر حضور یابند. همکاری در یادگیری می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد. از انواع آن می‌توان به تشکیل حلقه‌های مطالعاتی در خصوص مبحثی خاص، برگزاری کلاس‌های رفع اشکال خودجوش، مطالعه‌گروهی برای یادگیری تئوری و حل مسئلهٔ مانند تمام انتخاب‌های دیگر که بدیهتاً مانند تمام دسته جمعی اشاره کرد. چند گزینه وجود دارد، روش یادگیری در دانشگاه را نیز نمی‌توان به طور مطلق و با منطقی صفویکی انتخاب کرد. به همین دلیل، سعی کردیم به خوبی‌ها و بدی‌های مطالعه‌گروهی اشاره کنیم و با ذکر چند مثال به شما در انتخاب بین این دو کمک کنیم.



احتمالاً با ریاضیدان آمریکایی، جان نش، توسط فیلم A Beautiful Mind آشنا هستید. ریاضیدانی که به دلیل تلاش‌های ارزنده‌اش در راستای تکامل نظریه بازی‌ها، جایزه نوبل اقتصاد را دریافت کرد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای علمی وی، قضایایی در نظریه بازی است که با نام «تعادل نش» شناخته می‌شود. تعادل نش بیان می‌کند که بهترین نتایج زمانی حاصل می‌شوند که هر کس آنچه را که برای خود و گروه بهترین است، انجام دهد. به طور دقیق‌تر، اگر افراد گروه همکاری کرده و نفع کلی گروه را نیز در نظر داشته باشند، به بیشترین منافع و سود، هم برای خود و هم برای گروه دست می‌یابند.

این گروه فرضی را، دانشکده خود در نظر بگیرید. احتمالاً در تجربه‌ای که تا الان از دانشگاه داشتید، با دروس زمان‌گیر، تمارین متوالی و اساتید سخت‌گیر آشنای نسبی‌ای پیدا کرده‌اید. در این فشار سنگین دروس، معمولاً دانشجویان دو راه خواهند داشت، با تکیه بر توانایی فردی خود با دیگران رقابت کنند، یا با همکاری و همفکری سالم با هم کلاسی‌ها، نقاط ضعف یکدیگر را پوشش دهند و نقاط قوت خود را ارتقا دهند تا در رقابت‌های پیش رو با آمادگی بیش‌تر

یک تجربه سودمند

مهرشاد تازیکی



کنین. گروهی کار کردن نباید موجب حواس پرتی شما بشه. تلاش کنین افرادی رو پیدا کنید که بودن با اونا برآتون سودمند.

امیدوارم توی این شرایط کرونا، با درس خوندن‌های گروهی و حلقه‌های مطالعاتی بتونین ساعتای طولانی درس خوندن رو کمی جذاب‌تر کنین.

مطالعه گروهی

متین یوسفی



به‌طور کلی، من مطالعه گروهی را روش بهینه‌ای برای یادگیری نمی‌یابم.

اویین دلیلی که باعث می‌شود مطالعه گروهی گزینهٔ مناسبی نباشد، این است که معمولاً در جمع‌های دانشجویی (چه کم‌جمعیت و چه پرجمعیت) زمانی که فرصت شوخت‌وخند و گپ‌وگفت موجود است، تمکز روی مطالعه و تمرین علمی کم خواهد شد. زمان‌های استراحت طولانی می‌شود و زمان‌های مطالعه کوتاه. بخشی از زمان همنشینی هم به صحبت از اینکه درس بد ارائه شده، استاد فلانی سخت‌گیر است یا استاد بهمانی ترم پیش خیلی عالی این درس را ارائه کرد اختصاص خواهد یافت.

دومین برتیری مطالعه فردی بر مطالعه گروهی عدم نیاز به تعامل است. در مطالعه گروهی هنگام حل مسئله یا مطالعه قسمتی از جزو یا کتاب دو نفر ممکن است راه حل‌های متفاوت برای مسئله‌ای یا برداشت‌های متفاوت برای قضیه‌ای داشته باشند در این صورت به تبادل راه حل یا برداشت‌شان می‌پردازند که علی‌رغم اینکه

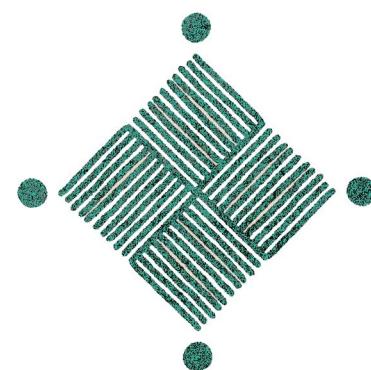
هم‌افزایی علمی و درس خوندن توی گروههای درسی کوچیک می‌تونه به پیشرفت شما، در راستای هر هدفی که دارین، کمک کنه. با همکاری علمی می‌تونین از درسی که بهش علاقه دارین بیش از پیش لذت ببرین یا توی درسی که ضعیف هستین خودتون رو تقویت کنین. این کار حتی می‌تونه به شما کمک کنه نمراتتون رو ارتقا بدین. مهم‌ترین گام هم‌افزایی علمی اینه که کسی رو پیدا کنین که درس خوندن باش یه رابطه سودمند دوطرفه باشه و کمک کنه جفتون به اهدافتون برسین. این کار می‌تونه به شما دیدگاه‌های متفاوت برای آنالیز و حل کردن مسائل رو نشون بده. همچین این کار می‌تونه انگیزه شما برای تلاش کردن رو افزایش بده. یک گروه علمی می‌تونه کمکتون کنه که از هفته‌های شلوغ و سخت‌توں موفق بیرون بیاین و یه راه خیلی راحت و جذاب برای یادگیری باشه. مثلاً در روزا طاقت فرسای نوشتن پرروزه درس ای‌پی پربازده‌ترین زمانای من وقت‌هایی بود که با چند نفر دیگه گروهی شروع به پیش بردن پرروزه می‌کردیم و به‌هم‌دیگه توی حل مشکلات کمک می‌کردیم.

البته برای اینکه درس خواندن گروهی یه فعالیت‌های علمی سودمند و پربار باشه، نکاتی رو باید رعایت کرد. در غیر این صورت این جور فعالیتا می‌تونن بازده شما رو کاهش بدن. برای اینکه یه هم‌افزایی علمی سودمند داشته باشین به اینکه این کار رو با چند نفر و چه افرادی انجام می‌دین دقت

می‌تواند موجب یادگیری عمیق‌تری شود اما نیاز به زمان دارد. این زمان گیر بودن مطالعه‌گری باعث می‌شود که در زمان‌های نزدیک امتحان یا مهلت‌های تحویل مناسب نباشد.

سومین نکته‌ای که در مقایسه مطالعه فردی و گروهی باید در نظر داشت این است که مطالعه فردی کاملاً شخصی‌سازی شده است و فرد می‌تواند قسمت‌هایی از درس که تسلط دارد را رد کند و روی قسمت‌هایی که در آن‌ها ضعف دارد تمرکز کند. اما مطالعه گروهی بر اساس نیاز درسی جمع تنظیم می‌شود و نه فرد.

البته کیفیت مطالعه گروهی به گروه هم بستگی دارد. معمولاً گروه‌های کم جمعیت، مخصوصاً دونفره، کمتر در معرض آسیب اول و سومی که مطرح کردیم قرار می‌گیرند و اگر کسی در دوران دانشجویی دوستی داشته باشد که بتوانند با هم یک گروه مطالعاتی متمرکز تشکیل دهند، فرصتی ناب برای یادگیری خوب و با نشاط دروس خواهند داشت.



نامه استاد



وقتی به دانشگاه آمدم شبکه‌های مجازی رونق امروز را نداشتند؛ یا بهتر است بگوییم اصلاً شبکهٔ مجازی‌ای وجود نداشت. ارتباطمان با دنیا از طریق وبلاگ‌ها بود. خبری از شاخه‌ای مجازی نبود و جملات قصار پروفسور سمعی و دکتر حسابی و... دربارهٔ هر چیز ریزودرشت، اینترنت را پر نکرده بود. ولی همان زمان‌ها هم گاهی وقت‌ها نوشته‌ای در وبلاگ‌ها به سرعت دست به دست و یا به قول امروزی‌ها «وایرال» می‌شد.

وقتی که از طرف مجلهٔ درایه با من تماس گرفتند که چیزی برای بچه‌های ورودی جدید بنویسم ناخودآگاه یاد یکی از این متن‌ها افتادم که در یک برههٔ زمانی روزی چندین بار در وبلاگ‌های مختلف می‌خواندمش. ماجراهی تخیلی یک استاد بود که برای دانشجویانش از تجربیات خود می‌گفت. از پیشنهاد کرم ضد آفتاب زدن تا توصیه‌هایی دربارهٔ استفاده از لحظه‌لحظه‌ی دوران جوانی. یا اینکه نگران آینده نباشید و اگر هم دلتان می‌خواهد نگران باشید، فقط این را بدانید که نگرانی همان اندازه مؤثر است که جویدن آدامس بادکنکی در حل یک مسألهٔ ریاضی. یا در جایی می‌گفت: «اگر نمی‌دانید می‌خواهید با زندگی‌تان چه بکنید، احساس گناه نکنید؛ جالب‌ترین افرادی را که در زندگی‌ایم شناخته‌ام در ۲۲ سالگی نمی‌دانستند می‌خواهند با زندگی‌شان چه کنند.» و در آخر هم اضافه می‌کرد که اگر هیچ‌کدام از این حرف‌ها را جدی نمی‌گیرید اشکالی ندارد ولی حتماً کرم ضد آفتاب بزنید.

خلاصه اینکه من هم خواستم بگوییم اگر خیلی حوصله ندارید که سحرخیز باشید، کلاس‌های را به موقع و مرتب شرکت کنید، ورزش کنید، زندگی را ساده بگیرید، سریع نالمید نشوید و به راهی که در پیش گرفته‌اید ایمان داشته باشید، دست‌کم به هر نقل قولی که در فضای مجازی می‌شنوید اعتماد نکنید. اگر این را هم دوست نداشته‌ید، هکسره را درست استفاده کنید و به «جب‌خطی»، «جب‌خ»، به «دستیار آموزشی»، «تیعی»، به «راجع به»، «راجب» و به «اتاق اساتید»، «استادیوم» نگویید.

دکتر جواد ابراهیمی بروجنی

روی داد



کدت را قورت بده

متین انصاری پور



به نظر من کدنگاک جاییه که می‌تونی دانشکده خودت رو بشناسی، دوست پیدا کنی یا دوستای خودت رو بهتر بشناسی، چه شرکت‌کننده باشی و چه برگزار کننده. برای خود من کدنگاک جایی بود که تونستم یه تجربه خوب با دوستای خودم داشته باشم و دوستای صمیمیم رو بیشتر کنم، یه تجربه خوب برای هم‌کلاسی‌های خودم درست کنم و بهشون احساس نزدیکی کنم و این یکی از بهترین حساییه که آدم می‌تونه تجربه کنه.

ولی جدای از کدنگاکش، چقد خوب میشه آدم همیشه تو زندگیش از این حسا داشته باشه و باهشون زندگی کنه. انگار یه جورایی داره معنی زندگی کردن رو می‌فهمه و زندگی می‌کنه. نه؟

بیشتر شما که به دانشگاه او مدید احتمالاً تا حالا برنامه‌نویسی نکردین یا در حد یه چیزای سطحی با برنامه‌نویسی آشنا هستین و شاید برنامه‌نویسی به نظرتون یه چیز ترسناک یا خیلی سخت به نظر بیاد. یه رسمی توی دانشکده ما هست که هر سال المپیاد کامپیوتريای ورودی دانشکده که بیشتر با برنامه‌نویسی و الگوریتم آشنا هستن میان و یه مسابقه برنامه‌نویسی برای هم‌کلاسی‌های خودشون برگزار می‌کنن تا بهشون نشون بدن چقدر کد زدن و فکر کردن به سوال‌های الگوریتمی می‌تونه لذت‌بخش باشه. مسابقه به صورت تیمی برگزار می‌شه و می‌تونه به یکی از بهترین تجربه‌های دانشگاه‌تون تبدیل بشه.



زدیم و کمک خواستیم. اگر بخواهیم قصه را خلاصه کنم، بعد از یکی دو ماه، نه تنها رئیس و معاون‌های دانشکده ما را می‌شناختند، بلکه آشنایی در حراست، آمفی‌تئاتر، معاونت‌های دیگر دانشگاه و حتی تأسیسات پیدا کرده بودیم:

آنچه تا اینجا برایتان تعریف کردم، بیشتر ناظر به وجهه اجرایی کار بود. روی دیگر داستان، چه بسا جذاب‌تر باشد. غیر از مجوز گرفتن و هماهنگی‌های این‌چنینی، لازم بود محتوایی برای مدرسه تولید شود. در ذهن ما این بود که محتوای آموزشی مدرسه توسط خود دانشجوها تولید شود. پس باید دانشجوها را به همراهی دعوت می‌کردیم. برای خود من، این بخش هیجان‌انگیز مدرسه بود. این‌که خودمان را به کسانی که مارانمی‌شناختند شناساندیم، و آن‌ها دعوت مارا قبول کردند. کسانی که خیلی‌هایشان بعد از مدرسه، دیگر از زندگی من بیرون نرفتند. کسانی که فقط در انجام بخشی از کار بهمان کمک نکردند، بلکه کار را در دست گرفتند و بدون آنکه نیاز باشد از آن‌ها چیزی بخواهیم، فعالیت‌های را به بهترین نحو پیش بردن. زیبایی داستان همین جا است. آنچه ماسه نفر به آن باور داشتیم و می‌خواستیم شروع‌شکنیم، توسط دوستانمان پذیرفته شد و از آن به بعد، دیگر خواست و هدف آن‌ها نیز بود.

کار آماده‌سازی محتوای آموزشی ظرف یکی دو ماه انجام شد. یکی از اهداف ما این بود که آماده‌سازی مطالب را تبدیل به فرصتی برای یادگرفتن موضوعات جدید برای خودمان کنیم؛ و البته همین طور هم شد. خیلی‌هایمان لازم بود چیزهای جدیدی مطالعه کنیم و نه تنها خودمان یادشان بگیریم، بلکه تلاش کنیم راه‌هایی پیدا کنیم

از سوک‌های مرده‌ی آمفی‌تئاتر تا حوض لجن گرفته‌ی سی‌ای^۱

علی‌الماسی



آغاز‌ماجرا، روز چهاردهم فروردین ۹۸ بود. من و محمد، قرار گذاشته بودیم که از میدان تجریش تا چهارراه ولی‌عصر قدم بزنیم. کمی که از شروع پیاده‌رویمان گذشت و صحبت‌ها بالا گرفت، من پیشنهاد برگزاری یک مدرسه‌ی تابستانه برای بچه‌های دبیرستانی را مطرح کردم و از محمد پرسیدم که «پایه‌ای؟». طبق معمول آن سال‌ها که هنوز حس و حالی داشت و دست رد به این‌جور پیشنهادها نمی‌زد، نه تنها پذیرفت؛ بلکه از همان پیاده‌روی ایده‌پردازی‌های ما برای انجام چنان کاری آغاز شد. یکی دو روز بعد بود که احمد هم با ما همراه شد و این‌طور بود که یکی از بهترین تجربه‌های دوران دانشجویی من شروع شد.

آن اوایل کارهایی که باید انجام می‌دادیم بی‌شمار به نظر می‌آمد. شاید مهم‌ترینشان مقاعد کردن بقیه‌ی آدم‌ها بود. «چند دانشجوی ورودی می‌خواهند یک مدرسه‌ی تابستانه برای چند دانش‌آموز برگزار کنند!» و چرا باید مسئولین دانشگاه قبول می‌کردند یا بزرگترها ما را در انجام آن همراهی می‌کردند؟ من و احمد شروع کردیم به نوشتن یک پروپوزال. همراه با محمد با آن‌ها که باید مقاعده‌شان می‌کردیم جلسه می‌گذاشتیم. با تعداد زیادی از شرکت‌ها ارتباط گرفتیم تا شاید یک حامی مالی پیدا کنیم. برای این‌که از تجربیات دیگران استفاده کنیم، حرف‌زدن با قدیمی‌ترهای دانشکده ایده‌خوبی بود. نمی‌دانم، شاید به بعضی‌ها که حتی حدود ۳۰ سال قبل در دانشکده بودند هم سر

۱. اگر متن را نخوانده از همین عنوان می‌فهمید که قرار است از چه حرف بزنم، یعنی به فارغ‌التحصیلی نزدیک هستید!

انداخت، و هفته‌هایی که قبل آن به تدارک این سه روز گذشت، بدون شک برای من یکی از بهترین یادگارهای دوران کارشناسی‌ام باقی می‌ماند.

نمی‌خواهم حوصله‌تان را سر ببرم. می‌دانم که بعضی‌هایتان که این مطلب را می‌خوانید خودتان در آن مدرسه‌ش را کرده بودید و از منظر دیگری، آن‌چه که من درباره‌اش نوشتم را تجربه کردید. اما حالا که دیگر هم‌کلاسی شده‌ایم، می‌خواهم یک چیز را به شما قول بدهم: دانشکده علوم ریاضی شریف پذیرای هر ایده‌ی خوب و سازنده است.

خودتان دست به کار شوید، با دوستانتان در انجمن علمی دانشکده حرف بزنید، و به آن‌چه که به نظرتان مفید است، یا کمپووش را احساس می‌کنید، یا برای اجرا کردن‌ش اشتیاق دارید، جامه‌ی عمل بپوشانید.^۱

که چگونه همان چیزها را به نحو ساده‌تری به دیگران یاد بدھیم. حاصل این فعالیت‌های چند ماهه، سه روز از روزهای گرم میانه تابستان بود که حدود ۶۰ دانش‌آموز به شریف آمدند و پایی سخنرانی‌ها و درس‌هایی نشستند که دوستان من تدارکشان دیده بودند، تا پیش‌پیش جلوه‌هایی از زیبایی‌های علوم ریاضی را به هم‌کلاسی‌ها و هم‌دانشگاهی‌های آینده‌شان نشان دهند. افسوس که مجالی نیست برای گفتن اینکه آن سه روز چقدر برای همه‌ی ما شیرین و دلچسب بود، چقدر خوش گذشت، چه دوستی‌های ماندگاری شکل گرفت و آن فعالیت‌ها چگونه بعدها زندگی شخصی و دانشجویی خیلی از ما را متاثر کرد. تنها می‌توانم بگویم آن چند روز، از همان شب قبل از شروع مدرسه که من و نیوشاسو سوکهای مرده را از روی صحنه‌ی آمفی‌تئاتر جارو کردیم، تا عصر سه روز بعد که دقایقی از پایان اختتامیه نگذشته، امیرعلی، من و احمد را در حوض مقابل دانشکده‌ی سی‌ای



۱ نام کامل دوستانی که در این نوشه به آن‌ها اشاره کردم: محمد شاهوردی، احمد رحیمی، نیوشانجمایی و امیرعلی موسوی است.

یادداشت آزاد



شروع نسبتاً جذاب

فاطمه تقی‌زاده



خب! طبیعتاً به هر کسی بگی شریف
قبول شدی، از بس خوشحالی، هر گونه
شیرینی‌ای رو می‌تونه ازت بکنه. منم بعد
از اینکه از مراحل سخت شیرینی دادن به
هر کس و ناکسی گذشتم، به خودم او مدم
دیدم کلاس‌ها خیلی وقتی شروع شدن و
من هنوز نرفتم دانشگاه رو ببینم. تقریباً
یک هفته امروزوفردا کردم تا بالاخره
یک‌شنبه، ۹ آبان رفتم دانشگاه. باید بگم
یه خوش‌شانسی‌ای که اوردم این بود که
برادرم ورودی ۹۶ ریاضیه. برای همین، همون
یک‌شنبه تقریباً همه دانشگاه رو دیدم.
رفتیم دانشکده رو هم دیدیم. توی هر طبقه،
وقتی به اتاق یکی از استادام می‌رسیدیم،
با خودم می‌گفتیم در بزنم ممکن‌هه داخل
باشه بالاخره سه‌بعدیش رو هم ببینم.
با اینکه دو تا از آشنایام شریفی‌ان، ولی باز
یه دید تک‌بعدی داشتم نسبت به دانشگاه.
این طوری که قراره بیام، فقط خودم رو با
درس خفه کنم. ولی چیزی که خیلی برام
جالب بود و بابتش واقعاً خوشحالم، اتفاقاً
تک‌بعدی نبودن دانشگاهه. همینی که
تو جشن ورودی‌ها اول در مورد برنامه‌های
تفریحی و فرهنگی حرف زدن و معرفیشون
کردن، بعد کارهای درسی. خلاصه اینکه
قطعاً هیچ‌جایی صدرصد بدون عیب‌وایراد
نیست، ولی فعلًاً با قشنگی‌های شریف،
خود من دارم عشق می‌کنم.



در نگ



آوردن او شکایت می‌کند و سپس به مرور روایت زندگی او به تصویر کشیده می‌شود.

فیلمبرداری به سبک مستندهای اجتماعی این اثر، در کنار بازی بسیار تحسین برانگیز زین الرافعی (بازیگر نقش زین)، نقش زیادی در اثرپذیری مخاطب از این فیلم دارد. کارگردان در این فیلم به صورت مستقیم فقر، فلاکت و ناعدالتی را هدف قرار می‌دهد و توجهه کمتری به پنهان کردن این موضوعات در لایه‌های پنهان فیلم و چگونگی ارتباط با مخاطب برای رساندن این مفاهیم دارد. به اصطلاح فنی، توجه کمتری به فرم اثر شده که این باعث افت ارزش فنی فیلم شده است.

با تمام این اوصاف کفرناحوم اثری هدفمند است که توانسته با تحریک احساسات بیننده، حرف خود را بزند و علی‌رغم برخی ضعف‌های فنی، تماشای آن را به تمامی علاقه‌مندان به سینما توصیه می‌کنم.

عزم یا تقدیر

مهبدی سلحشور

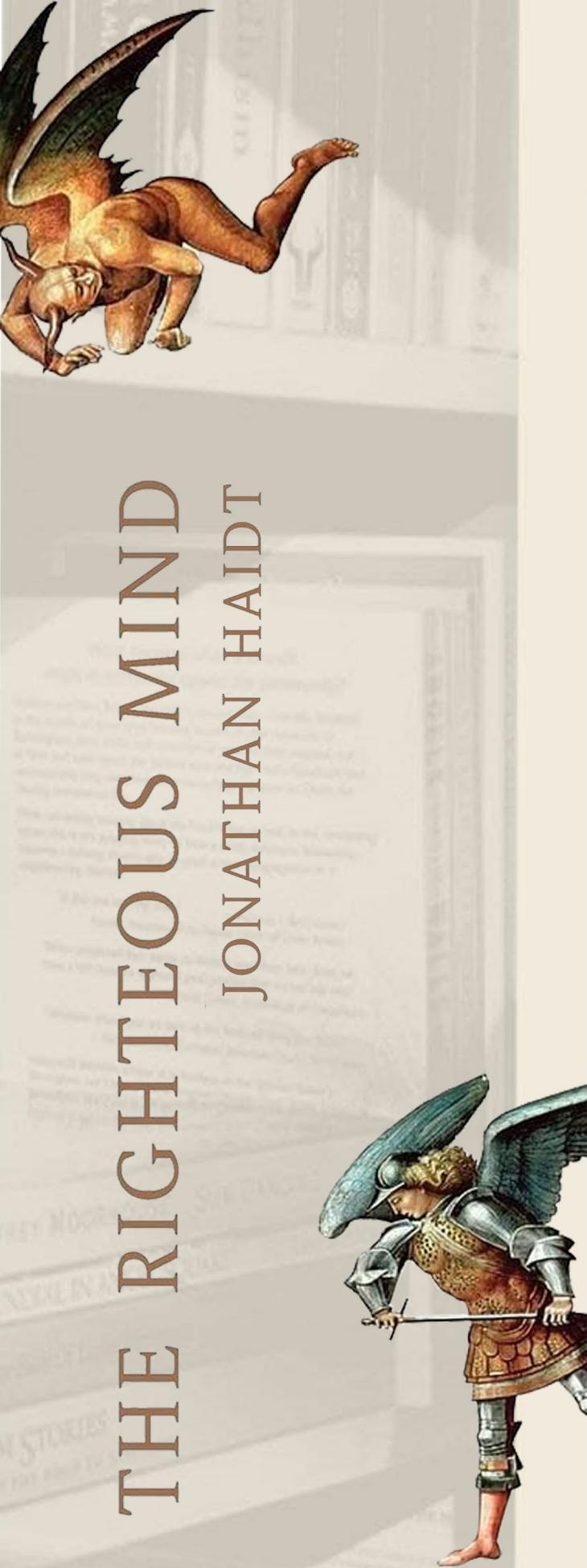


کفرناحوم فیلم لبنانی اثر سال ۲۰۱۸ می‌لادی را می‌توان به عنوان یک فیلم اثرگذار و دغدغه‌ساز نام برد که هر بیننده‌ای را بعد از اتمام تماشای آن به فکر فرو خواهد برد. این اثر به کارگردانی و نویسنده‌گی نادین لبکی، فیلمساز زن لبنانی، برنده جایزه هیئت ژوری جشنواره فیلم کن ۲۰۱۸ و نامزد بهترین فیلم خارجی مراسم اسکار سال ۲۰۱۹ شد.

داستان فیلم در مورد زین، پسر بچه‌ای از مناطق فقیرنشین لبنان در خانواده‌ای پرجمعیت است که خانواده او به سختی از پس تامین نیازهای اولیه او، خواهران و برادرانش برمی‌آید. زین علاوه بر کار در بیرون از خانه به خواهر کوچک‌ترش در حل مشکلاتی که دارد کمک می‌کند و این‌چنین داستان غمانگیز و احساسی زین آغاز می‌شود. داستان فیلم به صورت فلش‌بک‌هایی روایت می‌شود. در ابتدای فیلم زین را می‌بینیم که در دادگاه از پدر و مادرش برای به دنیا

THE RIGHTEOUS MIND

JONATHAN HAIDT



کتاب The Righteous Mind

حسین رحمانی



چی می‌شده که می‌گیم یه کاری خوبه، یه کاری بد؟ یا این کار اخلاقی هست ولی اون یکی نیست؟ مرز بین این‌ها از کجا می‌اد؟ اگه یه ریشه مشخص و مشترک دارن پس چرا از یه فرهنگ به فرهنگ دیگه متفاوت‌هه؟ حتی از خانواده به خانواده هم ممکنه مرز اخلاقی بودن کارها جایه‌جا شه. این که سهله، حتی توی یه خانواده ممکنه یکی بگه این کار اخلاقیه و کس دیگه‌ای از همون خانواده بگه که نه. این اختلاف نظر از کجا می‌داد؟

این کتاب می‌خواهد به ما بگه برچسب اخلاقی یا غیراخلاقی‌ای که ما به تصمیمات می‌زنیم، برخاسته از بخش شهودی مغز ماست و منطق توی این قضاوت‌ها نقشی نداره. کتاب از یک استعاره استفاده می‌کنه: (فیل و فیل‌سوار؛ فیل بخش شهودی مغز و فیل‌سوار بخش منطقی مغز ماست. اگه فیل واقعاً بخواهد به سمتی بره، فیل‌سوار نمی‌تونه جلوش رو بگیره؛ حالا هرچه قدر که تلاش کنه. در طول کتاب، نویسنده درباره ۹ تا از قضیه‌هایی که ما یه کم در مورد اخلاقی یا غیراخلاقی بودنشون هم فکر نیستیم صحبت می‌کنه که جواب نمی‌ده، چون جواب درستی وجود نداره:) و ما رو به مفهومی که در کتاب توضیحش می‌ده نزدیک می‌کنه.

چکیده‌ای از محتواهای کتاب رو در وبلاگ و سخنرانی‌های ted اش می‌شه پیدا کرد. (why we should learn how to speak with elephants?)

این حرف‌هاش به فارسی هم بازگویی شده و در پادکست «بی پلاس» می‌تونید خلاصه‌ای از این کتاب رو بشنوید.

CONTROL



منظمه از بی نظمی‌ها ، معرفی بازی Control

پوریا سرمدی



داستان بازی درباره «جِس فِیدِن»، فردی که برادرش را در کودکی به خاطر اتفاقی فرابعده از دست داده و حال به دنبال او می‌گردد، است. برای یافتن برادرش، جس روانه مقر اصلی سازمان «افبی‌سی» می‌شود که وظیفه آن بررسی پدیده‌های اتفاقی ابعاد دیگر و اثرات آن‌ها روی زمین است. او متوجه می‌شود که مقر توسط موجودی فرابعده به نام «هیس» مورد حمله قرار گرفته است. جسی به محض ورود به سازمان به عنوان رئیس جدید سازمان انتخاب می‌شود و وظیفه حفاظت از کارکنان آنجا را به عهده می‌گیرد.

داستان بازی با وجود داشتن پدیده‌های تخیلی با ارائه روایتی فلسفی، هیچ وقت حوصله‌سربر نمی‌شود و گیم‌پلی جذاب مبارزاتی آن با ترکیب قابلیت‌هایی مثل پروژو و کنترل اجسام، همواره فضای برای خلاقیت مخاطب آزاد می‌گذارد. از دیگر نقاط قوت بازی، گرافیک بی‌نظیر و کاملاً واقع‌گرایانه آن است که همراه با موسیقی و صدای‌گذاری بی‌نظیر شخصیت‌ها، در انتقال احساس به مخاطب بی‌نقص عمل می‌کند.

بازی در سال ۲۰۱۹ و برای تمامی پلتفرم‌های اصلی منتشر شد و با ۸۲ Metascore و ۸.۸ IGN از بهترین بازی‌های اکشن ۲۰۱۹ است. دریافت جوایز متعدد در جشنواره‌های معتبر گواه نظرات مثبت منتقدان نسبت به کیفیت بالای این بازی است. اگر اهل بازی‌ها کامپیوتری هستید، گیم‌پلی اکشن و خلاقانه، داستان مفهومی و عمیق، گرافیک واقع‌گرایانه و تجربهٔ حس‌ترس و هیجان در بازی کنترل را به هیچ وجه از دست ندهید.



[درايچه]

منتظر شماره های بعدی باشید...